

نشست عالی سران کشور های عضو ناتو، در شیکاگو

- خروج نیرو های خارجی از افغانستان یکی از مسایل کلیدی-

"زمان آن فرا رسیده است که افغانها خودشان مسئولیت را بدوش گرفته و نیرو های بین المللی تحت قیادت ایالات متحده امریکا به کشورهای شان برگردند."

(اعلامیه سران کشور های عضوناتو در شیکاگو)

1. چکیده مطلب
2. اعلامیه های نشست عالی سران ناتو بیانگر "ستراتژی" این پیمان
 - 2.1. پذیرش و تایید ارزش های مشترک
 - 2.2. افغانستان عاری از "پناه گاه های امن" برای دهشت افکنان
 - 2.3. صحنه گذاشتن بر تعهدات ناتو در نقاط دیگر جهان
 - 2.4. ناتو در همکاری گسترده با کشورهای دیگر
 - 2.5. عدم گسترش سلاح های ذره یی، مبارزه با "جنگ سایبری" و دهشت افکنی
 - 2.6. ترسیم دوباره دکترین و شیوه کار عملی ناتو
3. ارزیابی انتقادی: ناتو بمثابه "پیمان یکه تاز" در خدمت ستراتیژی نظامی- سیاسی غرب
 - 3.1. ناتو، بزرگترین "پیمان غول پیکر نظامی" در تاریخ
 - 3.2. سهم خارق العاده بزرگ ناتو در هزینه های نظامی جهان
 - 3.3. اهمیت تاریخی نشست شیکاگو
 - 3.4. "دفاع هوشمند" بمثابه "نیاز تاریخی" در آستانه دگر گونی های بنیادی
 - 3.5. احتمال برگشت پذیری (بومرنگ - boomerang) "حملات سایبری"
 - 3.6. آصف زرداری، رییس جمهور پاکستان مهمان ناخوانده
 - 3.7. حامد کرزی، رییس جمهور افغانستان "همبازی بی بدیل؟"

3.8 فرانسوا اولاند، رییس جمهور فرانسه بمتابیه تعهد شکن

3.9. مبارزه با دهشت افگنی با تدابیر "او پراتیفی"

4. نتیجه گیری

5. رویکرد ها

1. چکیده مطلب :

بتاریخ 20 و 21 ماه می نشست عالی سران کشور های عضو ناتو، پیمان اتلانتیک شمالی در شیکاگو، یکی از شهر های بزرگ ایالات متحده امریکا دایر گردید. درین نشست رهبران کشور های عضو از یکطرف در رابطه با گذشته ها بر ستراتیژی سیاسی و نظامی این پیمان صحه گذاشته و از طرف دیگر نظر به چالش های ناشی از ساختار های جدید امنیتی و سیاسی جهان، چشم انداز نظامی این پیمان را، از جمله مسئله "دفاع هوشمند" - smart defence - را رقم زدند. البته این بخش در پشت در های بسته مورد غور قرار گرفت. ولی خروج قوای 49 کشور جهان، از جمله 28 کشور عضو ناتو از افغانستان کم و بیش علناً در محراق جر و بحث نشست عالی سران کشور عضو ناتو قرار داشت. درین نوشته، پس از ارائه نکات مهم مندرج در اعلامیه های سران ناتو در شیکاگو نقش تاریخی این پیمان زیر رهبری ایالات متحده امریکا ارزیابی گردیده و پس از آن در ارزیابی انتقدی نقش جهانی، کاستی ها و بویژه "ماموریت و تعهدات ناتو" در افغانستان بررسی میگردند.

2. اعلامیه های نشست عالی ناتو در شیکاگو

در بیست و پنجمین نشست عالی سران ناتو در شیکاگو رهبران بیش از 50 کشور جهان، از جمله 28 عضو این پیمان شرکت نموده بودند. در بین اشتراک کنندگان حامد کرزی، رییس جمهور افغانستان بمتابیه یکی از بازیگرانی که "چارو ناچار" در همسویی با بازیگران کلیدی "بازی بزرگ نو" در آسیای مرکزی قد علم نمود، و آصف علی زرداری، رییس جمهور پاکستان با کوتاه اندیشی های ناشی از "قمار سیاسی" کرسی نشینان پاکستانی، نیز حضور بهم رسانیده بودند.

عصاره افکار، آرا و نظرات سران کشور های عضو ناتو در یک سند اصلی با اسم "اعلامیه نشست عالی شیکاگو" - Chicago Summit Declaration - و چهار سند ضمیمه و در خور اهمیت سند اصلی باز تاب مییابند. این چهار سند عبارت اند از: "اعلامیه نشست عالی در مورد افغانستان"، "دستور العمل های سیاست ناتو در مبارزه علیه دهشت افگنی"، "اعلامیه نشست عالی در مورد توانایی های دفاعی" و "بررسی مواضع دفاعی و هراسانیدن". (1)

2.1. پذیرش و تایید ارزش های مشترک

سران کشور های عضو ناتو نخست بر تعهدات این پیمان در قبال همکاری و همسویی صحه گذاشته و بار دیگر تایید نمودند که این پیمان دارای امکانات و ظرفیت های کافی دفاعی بوده و میتواند تا با تمام خطرات متصور دست و پنجه نرم نماید. سران کشور های عضو خود را با

تعهدات و اهداف "پیمان واشنگتن" و "منشور سازمان ملل متحد" پابند خواندند. بتاسی از اصل همبستگی، سران ناتو اذعان نمودند که آنها باین پیمان بمتابه چارچوب "دفاع جمعی" و "جرگه اساسی" در مورد مشورت های امنیتی و تصمیم گیری مینگرند. در اعلامیه سران ناتو بار دیگر "نظر ستراتژیک" سال 2010 این سازمان تاکید گردیده و این ستراتژی مطابق با "قوانین بین المللی" خوانده شد. درینجا به سه نکته اشاره میشود که در "حفظ و صیانت" اعضای این پیمان نقش مهم بازی مینمایند: "دفاع جمعی"، "مدیریت بحران" و "امنیت مشارکتی". بتاسی از چالش های پیچیده امنیتی زمان و دشواری های حاکم مالی، بیشتر از گذشته ها مهم دانسته می شود، تا در راستای ساختاری این پیمان از منابع موجود به بهترین وجه استفاده گردد. (2)

2.2. افغانستان عاری از "پناه گاه های امن" برای دهشت افگنان

پس از اعلام مواضع عام، سران کشور های ناتو متذکر میشوند که آنها امروز بیشتر گام های مهم در راه حفظ و ثبات در افغانستان برداشته اند؛ گام هایی باهدف جلو گیری ازینکه این کشور دوباره به "پناه گاه امن" برای دهشت افگنانی مبدل گردد که افغانستان، منطقه و جهان را تهدید مینمایند. در اعلامیه تذکر میرود که بتاسی از توافقات "نشست عالی لزبن" روند "برگشت ناپذیری انتقال مسئولیت" از نیرو های کمکی بین المللی حافظ امنیت (آیساف) - ISAF - به نیرو های امنیت ملی افغانستان بصورت کامل تا آخر سال 2014 نهایی میگردد. درین رابطه بر اهمیت یک "راهیافت فراگیر" در جهت تداوم حکومت داری بهتر و انکشاف از یکسو و نقش روند سیاسی در راستای "آشتی و آمیزش دوباره" از سوی دیگر صحنه گذاشته میشود. سران کشور های عضو ناتو، دور سوم انتقال مسئولیت را که بزودی آغاز میگردد، تایید نموده و میافزایند که پس از آن در حدود 75 درصد مردم افغانستان در بخش های بسر خواهند برد که بار مسوولیت آن بر دوش رهبری نیرو های امنیتی افغانستان میباشد. باینترتیب در اواسط سال 2013 که پنجمین دور انتقال مسئولیت آغاز میگردد، در راه تطبیق "برنامه لزبن" بزرگترین گام برداشته خواهد شد. پس از آن نیرو های امنیتی ملی افغانی قوماندانی کامل امنیت را در سطح ملی بر دوش خواهند داشت. در آنزمان فعالیت های جنگی دیگر در محراق عملیات نیرو های آیساف قرار نداشته، بلکه آیساف از طریق "آموزش و مشوره" نقش خویش را در جهت ایفای وظایف و مسئولیت های جدید نیرو های امنیتی ملی افغانی بازی مینماید. سران کشور های عضو تاکید مینمایند که بتاسی ازین برنامه انتقال مسئولیت، خروج کامل نیرو های آیساف در 31 دسمبر سال 2014 بپایان میرسد. در نتیجه در پایان سال 2014 که نیرو های افغانی مسئولیت کامل امنیت کشور را بر دوش میگیرند، ماموریت رزمی آیساف تحت قو مانده ناتو بپایان میرسد. ولی ناتو از طریق "همکاری های پایدار" به پشتیبانی عملی و سیاسی خویش به کشور هندوکش ادامه میدهد. ناتو حاضر است که باساس خواش حکومت جمهوری اسلامی افغانستان با یک ماموریت جدید و با ماهیت دیگر، پس از سال 2014 در بخش آموزش، مشوره و پشتیبانی نیرو های افغانی، بشمول "نیرو های عملیات ویژه" افغانستان همکاری نماید.

طوریکه در کانفرانس بین المللی بن در مورد افغانستان در دسمبر سال 2011، جامعه جهانی تعهد سپرد که از افغانستان در دهه بعد از 2014 حمایت مینماید، ناتو به نوبت خویش درین زمینه سهم و نقش خویش را در راستای آموزش نیرو های امنیتی ایفا مینماید. درین ارتباط پیمان ناتو باضافه آنکه از سهم مالی دیگران قدردانی مینماید، خود تعهد میسپارد که در تداوم همکاری های مالی

برای نیروهای امنیتی افغان سهم خویش را ادا نماید. سران ناتو درینجا باز هم به پیروی از اصول انعطاف پذیری، شفافیت، حسابدگی و موثریت هزینه ها بشمول تدابیر علیه فساد اداری تمسک میجویند.

سران ناتو تصریح مینمایند که آنها در قبال تعهدات حکومت افغانستان در نشست بن مبنی بر "یک جامعه دموکراسی" اهمیت زیادی قایل اند؛ جامعه ی که بر اصول ذیل استوار باشد:

"حاکمیت قانون"، "حکومت داری خوب" و در بر گیرنده پیشرفت در جهت مبارزه علیه فساد اداری، آزادی های اساسی شهروندان، بشمول پذیرش حقوق مساوی برای زن و مرد و مشارکت فعال هردو گروه در جامعه.

در اعلامیه اضافه میشود که انتخابات آینده باید با کمال احترام به "حاکمیت افغانستان" و مطابق با قانون اساسی کشور بر گزار گردد. درینجا نیز شاخص های شفافیت و حسابدگی مهم تلقی میگردند. پیشرفت در راستای این اهداف به کشور های عضو ناتو جرئت میبخشد تا به پشتیبانی خویش از آن کشور تا سال های 2014 و پس از آن ادامه دهند.

سران کشور های ناتو تشخیص میدهند که امن و ثبات در "قلب آسیا" در پیوند با سرتاسر منطقه مطرح میباشد. "روند استانبول در مورد امنیت و همکاری منطقوی" که در نومبر سال 2011 برگزار گردید، باز تاب دهنده تعهدات افغانستان و کشور های منطقه بود تا در راه ایجاد امنیت، ثبات و انکشاف در منطقه همکاری بعمل آید. کشور های منطقه، بویژه پاکستان در تامین صلح پایدار، ثبات و امنیت در افغانستان و تسریع روند انتقال مسئولیت در آنکشور دارای نقش بسیار مهم تلقی میگردند. بدین مناسبت سران کشور عضو ناتو اظهار آمادگی مینمایند تا درین زمینه به "گفتگو و همکاری های عملی" خویش با بازیگران منطقوی ادامه دهند. سران کشور های ناتو از پیشرفتی که در زمینه های تنظیم امور ترانزیت با کشور های همکار آسیای مرکزی و روسیه صورت گرفته، قدردانی مینمایند. (3)

3.2. صحه گذاشتن بر تعهدات ناتو در نقاط دیگر

پیمان ناتو تصریح میدارد که بر تعهدات خویش مبنی بر ثبات و امنیت در حوزه بالقان که دارای اهمیت مهم ستراتیژیک میباشد، وفا مینماید. سران ناتو بر نقش "کافور" (قوای بین المللی تحت قومانده ناتو در کوسو) صحه گذاشته و اضافه مینمایند که کافور مطابق به فیصله نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد به تلاش های خویش در جهت انکشاف صلح و ثبات در کوسووی که دارای چندین ملیت میباشد، ادامه میدهد.

سران ناتو تصریح میدارند که سال گذشته باساس فیصله سازمان ملل و پشتیبانی کشورهای عضو جامعه عرب، ناتو در راستای حفظ و سلامتی ملکی ها و نجات هزاران نفر در لیبیا نقش مهمی بازی نموده است. در اعلامیه اضافه میگردد که "پیروزی در لیبیا" بار دیگر روشن نمود که این پیمان میتواند در پشتیبانی از جامعه گسترده جهانی بزودی و بشکل موثر وظایف پیچیده را انجام دهد.

سران کشور های ناتو بر تمدید ماموریت علیه " دزدان دریایی" از طرف سازمان ملل تا سال 2014 در شاخه افریقا قدر دانی کرده و اظهار امید نمودند تا بتوانند که دامنه "دزدی دریایی" را

بطور کلی بر چینند. باضافه آن در اعلامیه ناتو بر نقش مبارزه این پیمان علیه "دهشت افگنی" در بحیره مدیترانه اشاره گردیده و تصریح میگردد که ناتو درینجا نیز در جهت گسترش اهداف ستراتژیک در آینده میباشد.

در اعلامیه همچنان تذکر میرود که ناتو، بتاسی از خواست اتحاد افریقا به پشتیبانی عملیاتی ازین اتحاد ادامه میدهد. سران ناتو متذکر میشوند که برنامه "آموزشی ناتو" در عراق بیپایان رسیده و ازین طریق پیمان توانسته است که در تامین ثبات بیشتر در عراق همکاری نماید.

2.4. ناتو در همکاری های گسترده با کشورهای دیگر

سران ناتو تصریح میدارند که نخست از همه این پیمان با اتحادیه اروپا دارای ارزش ها و علایق ستراتژیک مشترک میباشد. تقویت این همکاری ستراتژیک، طوریکه در "دکتورین ستراتژیک" بر آن توافق گردیده، بویژه در چارچوب تدابیر "ریاضتی" از اهمیت زیاد برخوردار میباشد. به نظر سران ناتو، این پیمان با اتحاد اروپا در مهار کردن بحران، بویژه در افغانستان، کوسوو و مبارزه با "دزدی دریایی" با روحیه همکاری متقابل دست بدست هم داده و گام های عملی بر میدارند. درین ارتباط هردو سازمان در بخش بکاربرد "دفاع هوشمند" – smart defence – همکاری نزدیک دارند.

سران ناتو تایید مینمایند که آنها بویژه در بخش های جلوگیری از منازعات، بازسازی های پسا منازعات و بروز خطرات نو با "سازمان امنیت و همکاری در اروپا" – Organisation for Security and Cooperation in Europe – به همکاری خویش ادامه میدهند.

ناتو با یک سری از همکاران دیگر نیز از روابط حسنه برخوردار میباشد. این روابط بمتایه "همکاری امنیتی" دارای اهمیت خاص تلقی میگردد. وزیرای خارجه کشورهای عضو ناتو در اپریل سال 2011 در برلین به هدف کارآیی بیشتر درین راه تصامیمی مشخص اتخاذ نمودند. در اعلامیه تذکر میرود که با در نظر داشت اصل انعطاف پذیری سران ناتو تلاش مینمایند تا همکاری خویش را از جمله با این سازمان ها تقویت بخشند:

"شورای مشارکت اروپا و اتلانتیک" – Euro-Atlantic Partnership Council - ،
"گفتگو با کشورهای کنار بحیره مدیترانه" - Mediterranean Dialogue - ، و "ابتکار
همکاری استانبول" – Istanbul Cooperation Initiative .

درین رابطه ناتو "اعلامیه مشترک سیاسی" بین این پیمان و استرالیا را تایید مینماید. سران ناتو همچنان از 13 کشوری که عضو ناتو نبوده و در نشست شیکاگو حضور بهم رسانیده، اظهار قدر دانی نمودند. این کشور ها از طریق همکاری های سیاسی و عملیاتی و سهمیه های مالی در فعالیت های گسترده تحت قوماندانی ناتو نقش مهم ایفا نموده اند.

اعلامیه نشست عالی ناتو تصریح میدارد که مطابق به ماده دهم "پیمان واشنگتن" درهای این پیمان بروی تمام کشورهای دموکراسی اروپا باز میباشد؛ کشور هاییکه بر ارزش های مشترک این

پیمان ارج گذاشته و حاضر اند تا وجایب و مسئولیت های عضویت درین سازمان را پذیرفته و در عمل پیاده نمایند. درین رابطه مشخص از کشورهای "مقدونیه"، "مونتی نگرو" و "بوزنیا هرسو گووین" نام بره میشود، کشور هایی که هنوز در رابطه با عضویت ناتو با دشواری های روبرو میباشند.

در اعلامیه یادآوری میگردد که نشست عالی ناتو در بخارست در سال 2008 در مورد عضویت "گرجستان" موافقه نموده، ناتو باین موافقه پابند بوده و در انتظار گزارش "کمسیون مشترک ناتو و گرجستان" در مورد پیشرفت روابط میباشد. در مورد عضویت اوکراین همچنان در رابطه با گزارش مشترک کمیسیون ناتو و اوکراین عضویت این کشور با بسر رسانیدن یکی سری از شرایط سیاسی، از جمله حاکمیت قانون و انتخابات آزاد در پیوند دیده میشود.

در اعلامیه شیکاگو تصریح میگردد که ایجاد یک فضای صلح، ثبات و امنیت، همکاری ناتو با روسیه از اهمیت ستراتژیک برخوردار میباشد. سران ناتو امید مینمایند که در بین ناتو و روسیه همکاری واقعی ایجاد گردد. سران ناتو، در عین حالیکه از روسیه هم این توقع را دارند، درین راه به تلاش های خویش ادامه میدهند. سران ناتو باین باور اند که روسیه و پیمان اتلانتیک شمالی علایق مشترک امنیتی داشته، با چالش های متداول روبرو بوده و دست آوردهای مشترک هر دو بخش ممثل این واقعیت میباشد. همکاری روسیه در ارتباط نیرو های ایساف در افغانستان، بویژه توافقات ترانزیت دو طرفه در پشتیبانی از ایساف و برنامه های مشترک آموزشی در مورد مواد مخدر برای افغانستان، پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی الگوی بارزی ازین همکاری تلقی میگردد. علاوه بر آن در اعلامیه ناتو همکاری های این پیمان با روسیه در بخش های مبارزه علیه دهشت افکنی و "دزدی دریای" از اهمیت زیاد برخوردار دیده میشود.

سران ناتو بر تعهدات خویش در قبال پشتیبانی از تمامیت ارضی کشورهای ارمنستان، آذربایجان، گرجستان و جمهوری مولداو تاکید نموده و از طریق همکاری خواهان حل دشواری ها در بحیره سیاه میشوند.

2.5. عدم گسترش سلاح های ذره یی و مبارزه با "جنگ سایبری" و دهشت افکنی

از آنجاییکه "حملات سایبری" (حملات انترنتی) – cyber attacks - روبروز افزایش نموده و همچنان پیچیده تر میشوند، سران ناتو اعلام میدارند که به تعهدات شان در نشست لزین وفادار بوده، مشی مبارزاتی جلوگیری از همچو حملات را ادامه داده و تدابیر اخذ شده در ان نشست را پیاده مینمایند. به هدف بلند بردن کاربردی و دفاعی، در نظر گرفته میشود تا مبارزه علیه حملات انترنتی نیز بشکل مرکزی و مشترک عملی گردد.

سران کشورهای عضو ناتو نگرانی عمیق خویش را در قبال گسترش جنگ افزا رهای ذره یی و سلاح های مدهش جمعی، امکانات انکشاف موشک های حامل این سلاح ها و بکاربرد آنها اظهار داشته اند. در رابطه با "پیمان عدم گسترش سلاح ذره یی" – Nuclear Non-Proliferation Treaty - ناتو همچنان در مورد برنامه اتمی ایران اظهار نگرانی نموده و از آن کشور میخواهد تا مطابق با تمام وجایب بین المللی، از جمله مطابق با فیصله نامه های سازمان ملل و آژانس بین المللی اتمی عمل نماید. ناتو نشست ایران با کشورهای پنج باصافه یک (5+1) – پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت و دارای حق ویتو باصافه المان فدرال – را تایید مینمایند.

سران ناتو همچنان در مورد بر نامه های اتمی کوریای شمالی سخت اظهار نگرانی نموده و آزمایش موشکهای حامل سلاح اتمی آنکشور را تقبیح کردند.

به نظر سران ناتو دهشت افگنی با تمام انواع و اشکال آن و هیچگاه قابل تحمل نبوده و به هیچ وجهه توجیه شدنی نیست. ناتو بار دیگر بر تعهدات خویش در قبال مبارزه با دهشت افگنی - در تطابق با قوانین بین المللی و اصول سازمان ملل متحد - صحنه میگذارد.

2.6. ترسیم دوباره دکترین و شیوه کار عملی ناتو

سران ناتو در اعلامیه شیکاگو متذکر میشوند که آنها در نشست لزبن بر مواضع این پیمان در قبال سیاست "دفاع و هراسانیدن" در رویارویی با تمام خطرانی که پیمان با آن مواجه دیده میشود، تجدید نظر نموده اند. بتاسی ازین بازنگری "دکترین نظامی" از یک "ترکیب مناسب تسلیحاتی از نیرو های ذره یی، قوای میثاقی (کونوانسیونل) و ظرفیت های دفاعی موشکی" بر خوردار میباشد. تحت این شرایط ناتو به تلاش های خویش در رابطه به کنترل جنگ افزارها، خلع سلاح و پیمان عدم گسترش جنگ افزار های ذروی ادامه میدهد. به اساس راهیافت سران کشور های ناتو در نشست شیکاگو بر نکات مندرج در "اعلامیه دفاعی ناتو" باهم موافقه نمودند. در نتیجه مشی این پیمان را تا سال های 2020 ترسیم نمودند. درینجا باید تذکر داد که سران ناتو باهم مطابق به توافقات نشست لزبن در مورد انکشاف موشک های دفاعی قاره پیما توسط این پیمان بر تعهدات خویش صحنه گذاشت تا دست کم به "ظرفیت های موقتی" درین زمینه نایل گردند. در رابطه با نصب موشکهای دفاعی در اروپا سران ناتو باین نظر اند که این پدیده ثبات ستراتیژیک و همکاری با روسیه را خدشه دار نمیسازد. چون، به نظر ناتو، این سستم دفاعی با هدف جلوگیری از خطرات ناشی از فراسوی قاره اروپا موضوع بحث میباشد.

باز هم با تمسک به تصامیم نشست سران ناتو در لزبن، در اعلامیه ای ناتو در شیکاگو به یک سری از نکات اشاره میگردد که مستلزم تجدید نظر خوانده میشوند. از جمله میتوان نام برد از:

ساختار قوماندانی ناتو، تشکیلات مرکزی این پیمان، شیوه کاری نمایندگی های این پیمان و در اخیر مدیریت منابع و امکانات این پیمان.

3. ارزیابی انتقادی: ناتو بمتابه "پیمان یکه تاز" در خدمت ستراتیژی نظامی- سیاسی غرب

3.1. ناتو، بزرگترین "پیمان غول پیکر نظامی" در تاریخ

پیمان اتلاننتیک شمالی (ناتو) در اپریل سال 1949 توسط دوازده کشور اروپای غربی و امریکای شمالی تهداب گذاری گردید. اهداف اصلی این پیمان در همان زمان به سه نکته خلاصه میگردد:

جلوگیری از پیشروی اتحاد جماهیر شوروی، مانع شدن از بروز دوباره نظامی گری های ملت گرا (فاشیزم) از طریق حضور قدرتمند ایالات متحده امریکا و در اخیر تقویه نمودن همزیستی سیاسی در اروپا. (4)

ولی تکامل شرایط سیاسی، ناتو را آهسته آهسته به پیمان مبدل نمود که بمثابه فرآورده "جنگ سرد" در رویارویی با "پیمان وارسا" که در آن زیر رهبری اتحاد شوروی هشت کشور اروپای شرقی عضویت داشتند، قرار گرفت. پس از فروریختن امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی، کشور های اقمار این امپراتوری بزودی از هم فرو پاشیده و در نتیجه "پیمان وارسا" در سال 1991 منحل گردید. (5) پس ازین واقعه بزرگ سده بیستم که فوکویاما بغلط دوران "پسا شوروی" را بمثابه "پایان تاریخ" خواند، پیمان ناتو بزودی گسترش یافت و اکنون دارای 28 عضو میباشد. (6) کشورهای مقدونیه، بوسنیا هرزگوین و مونتینی نگر و "نامزد های عضویت" بوده و صربستان هم درین قطار شمرده میشود. گرجستان ارزو دارد تا هرچه زود به عضویت ناتو پذیرفته شده تا تحت چتر حمایتی این پیمان قرار گیرد. در مورد این کشور ها هنوز هم دشواری های سیاسی در همسایگی کشور های دیگر (گرجستان با روسیه و مقدونیه با یونان) و یا کاستی های ساختار های سیاسی درونی (هرزه گوین و صربستان در رابطه با دموکراسی و مسئله کوسوو) موانع عضویت محسوب میشوند. در چارچوب توافق نامه "همکاری صلح"، پیمان ناتو از همکاری گسترده شش کشور دیگر اروپایی (ایرلند، سویدن، مالتا، اتریش، سویز و فنلند) بر خوردار میباشد. گروه های فشار مشخص در ایالات متحده امریکا خواهان عضویت اسرائیل در پیمان ناتو بوده، ولی درین مورد آخرین حرف هنوز زده نشده است. (7)

اکنون ناتو با 22 کشور دیگر در چارچوب "شورای مشارکت اروپا و اتلانتیک" - Euro-Atlantic Partnership Council همکاری نزدیک دارد. علاوه بر آن این پیمان یا هفت کشور کنار بحیره مدیترانه در سازمان "گفتگوی کشور های مدیترانه و ناتو" - NATO's Mediterranean Dialogue - از روابط خوب همکاری برخوردار میباشد. ناگفته نباید گذاشت که چهار کشور خلیج فارس (کویت، قطر، بحرین و امارات متحده عربی) در چارچوب "ابتکار همکاری استانبول" - Istanbul Cooperation Initiative - در چتر حمایتی ناتو خسپیده اند. در اخیر باید اضافه نمود که ناتو علاوه بر آن با 8 کشور دیگر جنوب و جنوب شرق آسیا تا استرلیا و زیلاند جدید بنام "شرکا در سرتاسر جهان" - Partners across the globe - در تعهدات جداگانه و دو جانبه قرار دارد. (8) در نتیجه میتوان - عجالتا از نگاه تعداد کشور های عضو، ظرفیت های مالی و همکاری های عملی - بدون کم کاست ناتو را بمثابه بزرگترین "پیمان غول پیکر نظامی" در تاریخ شناخت.

3.2. سهم ناتو در هزینه های نظامی جهان:

مطابق به ارقام SIPRI (Stockholmer International Peace Research Institute)، "بنیاد پژوهشی صلح ستاکهلم"، هزینه عمومی نظامی جهان در سال 2011 بالغ میگردد بر 1,74 تریلیون دالر امریکایی. (9) دفتر قومندانی عمومی ناتو در بروکسل هزینه جنگی کشور های عضو این پیمان را در همین سال در حدود یک تریلیون دالر امریکایی رقم میزند. (10) باینترتیب هزینه نظامی کشور های ناتو در سال 2011 در حدود 58 درصد هزینه ای جنگی جهان را در بر میگیرد. درین ارقام سهم هزینه جنگی ایالات متحده امریکا به تنهایی هم به شکل کلی و هم بصورت نسبی از اهمیت خاصی برخوردار میباشد. هزینه جنگی امریکا در سال 2011 بر 756 میلیارد دالر امریکایی بالغ میگردد. (11) باساس این رقم هزینه جنگی امریکا در سال 2011 در حدود 43 درصد کل هزینه جنگی جهان و 75 درصد هزینه جنگی پیمان ناتو را

احتوا میناید. درینجا بصورت مقایسوی باید متذکر شد که بودجه نظامی چین و روسیه در سال 2011 بترتیب بر 173 و 72 میلیارد دلار امریکایی و در نتیجه با هم بترتیب بر 8,2 و 4,1 محصول اجتماعی ناخالص این کشور ها بالغ میگردد. (12)

بنابر ارقام متذکره سهم بخش نظامی در کشور های عضو ناتو بصورت اوسط بر سه در صد محصول ناخالص این کشور ها بالغ میگردد. در حالیکه این رقم در ایالات متحده امریکا به 4,8 در صد و در کشور های دیگر عضو پیمان مانند آلمان فدرال به 1,4 و بریتانیای کبیر به 2,6 در صد محصول ناخالص اجتماعی این دو کشور بزرگ عضو پیمان میرسد. (13)

باید متذکر شد که بودجه های نظامی جهان از سال هلی 2002 تا 2009 سالانه در حدود بیشتر از 4 در صد افزایش نموده است. در حالیکه این افزایش در سال 2011 نظر به سال 2010 به 0,3 در صد بالغ میگردد. علت این که در سال 2011 افزایش بحد اقل رسیده، به نظر پرلو فریمن (Dr Sam Perlo-Freeman)، رییس بخش پروژه پژوهش نظامی بنیاد سویدن، بحران حاکم مالی، از جمله در کشور های عضو ناتو میباشد. در واقع این بحران از طریق پیاده کردن "تدابیر ریاضتی" - Austerity Policy - حتی بودجه های نظامی این کشور ها را نیز متأثر گردانیده است. در حالی که تأثیرات این سیاست با تفاوت های چشم گیر در بخش های خدمات اجتماعی بیشتر میباشد. اداره بارک اوباما مجبور گردید تا بودجه مالی آن کشور را در سال 2011 در حدود 1,3 در صد کاهش دهد. این رقم در آلمان بر 1,4 در صد و در بریتانیا بر 0,6 درصد بالغ میگردد. (14)

3.3. اهمیت تاریخی نشست سران ناتو در شیکاگو

از آنجاییکه بیست و پنجمین نشست عالی سران کشور های عضو ناتو در حدود بیست سال پس از انحلال "پیمان وارسا" (1991)، سازمان رقیب زیر رهبری اتحاد جماهیر شوروی زمان و ده سال پس از حملات دهشت افگنی در مراکز اقتصادی و نظامی ایالات متحده امریکا (2001) و مبارزه ناشی از آن علیه "دهشت افگنی بین المللی" برگزار گردید، این نشست از اهمیت بزرگ تاریخی برخوردار میباشد. درینجا باید افزود که بعد زمانی به تنهایی بیانگر نقش کلیدی این پیمان در راستای چشم انداز سیاسی- نظامی آن تلقی نمیگردد. بلکه دگرگونی های زمان و شرایط حاکم ناشی از آن، بویژه با در نظر داشت تجارب دراز مدت این پیمان در سطوح "جنگی" (مثلا افغانستان و کوسوو) و "ابعاد سیاسی" (تأثیر گذاری بعد نظامی بر روابط ناتو با کشور های دیگر) بمثابة عومل تعیین کننده در بازنگری "دکتورین ناتو" و هم در بخش های "اوپراتیوی" از اهمیت بنیادی برخوردار میباشد.

در جر و بحث های سران ناتو قبل از برگزاری نشست شیکاگو، در بروکسل، مقر ناتو و همچنان در جریان دو روز در شیکاگو و در پشت دروازه های بسته، این نکته تصریح میگردد که ناتو بیشتر خود را تنها و تنها بمثابة یک "پیمان دفاعی، نظامی و منطقوی" نمی بیند. بلکه بعد "دفاعی" آن با تعبیر "عملیات پیشگیرانه" با "ماهیت تعرضی" گسترش نموده، محتوای "نظامی" آن با "گفتمان سیاسی" خلط شده و مفهوم "منطقوی" آن با بعد جهانی آراسته گردیده است. بزودی باید افزود که نکات متذکره در گذشته ها نیز ساحه کاروایی های ناتو را - نظر به "ایجابات زمان؟"

- در عمل محدود نساخته بودند، ولی برآزندگی نشست شیکاگو درین نکته نهفته است که "پا از گلیم بیرون نهادن های گذشته" - "Out-Of-Area" - اکنون جنبه تئوریک هم بخود گرفته و بشکل "دکتورین جدید" و در نتیجه با "ماهیت الزامی" به جهانیان پیشکش میگردد. در سال 1992 ناتو فیصله نمود که در صورت توافق "شورای امنیت سازمان ملل" و "سازمان امنیت و همکاری در اروپا" این پیمان میتواند که در مناطق خارج از حیطه کشور های عضو به عملیات نظامی بپردازد. در نتیجه ناتو در "جنگ کوسوو" با حملات شدید هوایی یوگوسلاویا (صربستان) را بزانو در آورد. در حالیکه این گام نظامی ناتو بدون فیصله نامه "شورای امنیت" صورت گرفته و همچنان هیچ یک از اعضای ناتو در معرض خطر قرار نداشت. در نتیجه حملات هوایی ناتواز نگاه حقوق بین الملل دارای هیچگونه "مشروعیت حقوقی" نبوده و نیاز به پیاده کردن ماده 5 پیمان اتلانتیک شمالی نیز دیده نمیشد.. (15) در نتیجه ناتو پس از آن بمثابه "پیمان یکه تاز با ابعاد سیاسی- نظامی و فرا منطقوی" عرض اندام نموده است.

3.4 . "دفاع هوشمند" بمثابه "نیاز تاریخی" در آستانه دگرگونی های بنیادی

بحران مالی حاکم در جهان غرب از سال های 2008 باینسو و در پی آن بحران "وام های دولتی"، بویژه در اتحادیه اروپا، کشور های عضو ناتو را مجبور به صرفه جویی از طریق "تدابیر ریاضتی" نمود. در اثر تاثیر گذاری ملحوظات بودجوی بر هزینه های نظامی، عدم تناسب سهم مالی و در نتیجه عدم تناسب در "کفایت های دفاعی" بین ایالات متحده امریکا و دیگر اعضای این پیمان بیشتر و عمیقتر گردید. ایالات متحده امریکا نه تنها بصورت کل در حدود 75 درصد هزینه نظامی ناتو را بر دوش میکشد، بلکه بصورت نسبی فیصدی بیشتر محصول ناخالص اجتماعی درونی را برای تکافوی مخارج نظامی اختصاص داده است. البته علت این سهمیه بزرگ در قدم نخست از یکطرف دست کم در خدمت حفظ سطح تولید "صنایع تسلیحاتی" کشور و در قدم دوم از طریق بکاربرد این جنک افزار ها رسیدن به اهداف ستراتژیک، خواست های سیاسی و علایق اقتصادی امریکا بمثابه "امپراتوری نوع جدید" در چارچوب "جهانی شدن" میباشد. ولی جهانی شدن کلاسیک تحت قیادت ایالات متحده امریکا اکنون نظر به دگرگونی دو پدیده اقتصادی که در پیوند نزدیک باهم قرار دارند، در آستانه "جهانی شدن پسا امریکا" با چند قطبی شدن جهان دیده میشود:

نخست کاهش پایه یی سود در درون کشور های خودمدار منجر به سرمایه گذاری های بیشتر در کشورهای پیرامونی گردیده است. این سرمایه گذاری ها در نتیجه منجر به ادغام "انباشت بدوی" از کشورهای پیرامونی در "انباشت سرمایه داری جهانی" گردیده است. ولی از آنجاییکه سهم اقتصادی ایالات متحده امریکا و توام با آن سهم اقتصادی کشور های خودمدار کلاسیک در محصولات جهانی بشکل روز افزون کاهش مییابد، همزمان با آن سهم کشور های نوظهور در ترکیب "انباشت بدوی" در "انباشت سرمایه داری" بطور چشمگیر زیاد میگردد، در نتیجه از سطح قیادت اقتصادی امریکا هم بشکل صریح کاسته شده و احتمال ضربه پذیری آنکشور - با در نظر داشت "دکتورین نظامی خود آنکشور - در بخش های نظامی بیشتر میگردد. (15a)

با در نظر داشت کاستن نسبی و متداوم بخش هزینه های نظامی، بارک اوباما در نشست شیکاگو از کشورهای عضو خواست تا دست کم سه درصد محصول ناخالص اجتماعی خویش را برای هزینه

های نظامی تخصیص دهند. (16) ولی عملی کردن این موضوع - تحت شرایط ضعیف اقتصادی - با مخالفت عده کثیری از این کشور ها منجر گردید. در نتیجه اداره امریکا دوباره به وسیله دیگر، که از مدت ها قبل در دستور روز قرار داشت، متوسل گردید: ابتکار "دفاع هوشمند". مراد از دفاع هوشمند بکاربرد امکانات دست داشته با هوشمندی بیشتر و هدفمند بغرض مرفوع ساختن حد اکثر نیاز های مورد بحث میباشد. در نشست ناتو درین مورد توصیه گردید که بغرض پیاده کردن این هدف کشور های عضو از امکانات و ظرفیت های دست داشته حد اکثر بهره بر داری نمایند: بغرض جلوگیری از مخرج مشابه، رویدست گرفتن سرمایه گذاری های مشترک در بخش های نظامی، همکاری های مشخص در بخش های تولیدی و اختصاص و در اخیر میتوان از همکاری های بیشتر بین المللی نام گرفت. در صورت پیاده کردن این راهیافت کشور های عضو مجبور میگردند که از حاکمیت ملی خویش در بخش های مشخص نظامی به نفع پیمان صرف نظر نمایند. در نتیجه وابستگی کشور های عضو هنوز هم به ایالات متحده امریکا در بخش های تولید مواد تسلیحاتی و بکاربرد آن بیشتر میگردد. درینجا میتوان بشکل نمونه از طرح و نصب چتر حمایتی موشکی در اروپا و تهیه هواپیماهای انکشافی بدون سرنشین (RQ-4B Global Hawk Typ) نام برد که بار مالی آنرا باید کشور های عضو بصورت جمعی بر دوش گیرند.

3.5. احتمال برگشت پذیری (بومرنگ - boomerang) "حملات سایبری"

سران کشور های عضو ناتو در واشنگتن "حملات سایبری" را بمثابه یک خطر بزرگ در آینده تشخیص نموده و تعهد سپردند که علیه آن بشکل مرکزی و با شدت هرچه بیشتر مبارزه مینمایند. صرف نظر از چند حمله ناچیز، کشور های عضو ناتو هنوز هم در معرض خطرات واقعی "جنگ سایبری" قرار نگرفته اند. ولی انکشاف سرسام آور و برق آسا در "فن آوری اطلاعات" - Information Technology - احتمال خطرات ناشی از انکشاف و سو استفاده از نرم افزار های مضر را از طریق "اسپ ترویا" روز بروز بیشتر میسازد. گرچه حملات سایبری با کشف بد افزاری بنام "شعله" - Flame - درین اواخر با ابعاد گسترده تر از گذشته ها توجه جهانیان را جلب نموده است، ولی "جنگ سایبری" از اوایل سده بیست و یکم باینسو به واقعیت عینی تبدیل گردیده است.

روز نامه نیو یارک تایمز - The New York Times - درین آواخر گزارشی را منتشر نموده است که، بارک اوباما، رییس جمهور امریکا از "روز های نخستین آغار کارش دستوری سری برای حمله های سایبری به مراکز غنی سازی یورانیوم ایران" صادر کرده است. (17) بتاسی ازین گزارش صدور فرمان سری اوباما تداوم حملات نخستین سایبری از زمان جورج دبلیو بوش، رییس جمهور سابق امریکا میباشد. (18) نیویارک تایمز خبر میدهد که در زمان جورج دبلیو بوش حملات سایبری با اسم "بازی های المپیک" علیه ایران آغاز شده و به توصیه وی بعدتر اوباما به ادامه آن پرداخته است. زمانیکه در تابستان سال 2010 اشتباهاً و بصورت تصادفی کرم جاسوسی که توسط ایالات متحده امریکا و اسرائیل انکشاف داده شده بود، کشف گردید، کارشناسان امنیت فر آورد صنعتی روسیه سفید انرا ستاکس نت - stuxnet - نامیدند. این ویروس از جمله پنج هزار، یکهزار سانتتری فوژ های ایران را در نطنز مختل ساخته بود. بدینترتیب امریکا احتمال خطر تکرار شدن صانحه چرنوبیل را پذیرفته بود. بتاسی از گزارش نیو یارک تایمز امریکا از نگاه سیاسی میخواست که از یک سو برنامه ی اتمی ایران را دست کم ازین طریق موقتاً مختل

ساخته و به تعویق بیندازد و از سوی دیگر بضرر جلوگیری از خطر احتمالی تک روی اسرائیل که محسوس بود، اسرائیل را که خود دارای کفایت های عالی انکشاف بد فزار ها میباشد، درین امر شریک ساخت. (19) باینترتیب این نخستین نمونه ایست که در مورد آن گزارش داده شده است که امریکا از جنگ افزار های سایبری برای حمله بر زیر ساختار یک کشور دیگر اسفاده مینماید. درین رابطه باید افزود که باز هم نظر به گزارش نیو یارک تایمز، حکومت امریکا "برنامه ی برای توسعه جنگ افزار های سایبری دارد، ولی تا حالا از آن استفاده نکرده است." (20)

درین اواخر بد افزار دیگری که از نگاه ساختاری هنوز هم پیچیده تر و از نگاه وظایفی که بایست انجام دهد، هنوز هم گسترده تر از کرم های جاسوسی گذشته تلقی میگردد، در شرق میانه بکار برده شده است. شرکت امنیتی انترنیتی روسیه کاسپرسکی - Kaspersky - این بد افزار را که به شیوه اسپ ترو یا عمل میکند، "شعله" - Flame - نامیده است. الکس، کارشناس "کاس پرسکی" بد افزار شعله را بعد از بد افزار های "داکو و ستکس نت" دارای پیچیده ترین ساختار دانسته که تنها به کمک امکانات وسیع مالی و تاسیسات تخصصی در دراز مدت انکشاف داده شده و از آن استفاده شده میتواند. (21) بد افزار شعله با حجم بیست میگا بایت به دستگاه های دیگر انترنیتی بشکل اسپ ترو یا نصب میگردد. باینترتیب میتوان تمام اطلاعات دستگاه های مصاب باین بد افزار را تحت مطالعه و کنترل داشته و حتی مکالمات خارج از کمپیوتر را در فاصله های معین در اختیار داشت.

تا تاریخ اول جون در حدود 189 دستگاه کمپیوتر در ایران، 89 دستگاه در حوزه اردن غربی و 30 دستگاه در لبنان باین ویروس مصاب گردیده بود. (22) در ایران، بویژه کمپیوتر های بخش دستگاه های تصفیه نفت ازین ویروس آسیب دیده است.

کاوه افراسیابی، کارشناس ایرانی تبار در نوشته ای که بتاریخ پنجم جون در Asia Times Online منتشر گردیده، مینوسید که اوباما در کنار ادامه دادن به حملات روز افزون هواپیما های بدون سرنشین اینک به "جنگ سایبری" نیز آغاز نموده است.

با وجود گزارش نیویارک تایمز در مورد حملات سایبری و اوامر سری اوباما، اداره واشنگتن درین مورد خاموشی اختیار نموده است. جوزف ارنست (Josh Earnest) ، سخنگوی قصر سفید فقط گفته است که اطلاعات درین مورد سری بوده و پخش آن امنیت ملی کشور را با خطر مواجه خواهد ساخت. (23) مقامات اسرائیلی که در انکشاف و بکاربردن بد افزار ها "ید طولا" دارند، به نوبت خویش از اظهار نظر درین مورد خودداری نموده اند. آنها مانند گذشته ها فقط گفته اند که "همه گزینه ها در دستور کار روز قرار دارند." این اظهار نظر طوری تعبیر میشود که گویا از حملات مستقیم هوایی تا "جنگ سایبری" در مبارزه علیه دستگاه های اتمی ایران در محاسبه حکومت آن کشور دخیل اند. (24)

در اخیر باید افزود که حملات سایبری از نگاه قوانین بین المللی غیر قانونی بوده و ضد صلح و امنیت پنداشته میشوند. اینکه ناتو بسرکردگی امریکا در واشنگتن از اقدامات جدی علیه "جنگ سایبری" یاد آوری مینماید، بیانگر این نکته است که ناتو مدت ها قبل این جنگ را آغاز نموده است و در مورد خطرات آن آگاهی دارد. با در نظر داشت ظرفیت های کارشناسی در بخش های

فناوری اطلاعاتی یا " آی تی " - IT - و امکانات آزاد دسترسی به کارشناسان فناوری کمپیوتر، این فقط یک مسئله زمانی است که چه وقت کشور های رقیب ناتو و یا گروه های دهشت افکن و یا حتی اشخاص حرفوی به تنهایی بد افزار های را انکشاف داده و از جمله آنرا علیه ناتونیز بکار اندازند.

3.6. محمد آصف زرداری، رییس جمهور پاکستان مهمان ناخوانده

" ما آرزو داریم تا هر چه زودتر راه اکمالاتی از طریق پاکستان که دارای اهمیت زیاد میباشد، دوباره باز گردد."

(بارک اوباما در نشست شیکاگو)

پاکستان بمثابه کوه آتشفشان

جو کلاین (Joe Klein)، پژوهشگر و خبر نگار هفته نامه Time در رابطه با اوضاع نا هنجار حاکم در جنوب آسیا، پاکستان را "خطرناکترین" کشور جهان قلم داد مینماید. (25) در واقع اگر ساختار سیاسی - اجتماعی آن کشور از یک سو و سیاست های عملی آن کشور در رابطه با نقش دستگاه استخباراتی و عملکردهای تاریخی نظامیان آنکشور دقیق مورد غور قرار گیرند، خطرات نگران کننده این کشور برای امنیت منطقه و جهان بزودی روشن میگردد. نخست از همه - با وجود انتقال نسبی تمرکز رهبری "القاعده" از مناطق قبیلوی پاکستان به یمن - پاکستان هنوز هم یکی از سر زمین های معدودی بشمار میرود که رهبران القاعده از امکانات "پناه گاه های امن" بر خوردار میباشند. البته درین جا آمیزش، همکاری و نقش رهبری این سازمان دهشت افکنی بین المللی با گروه طالبان پاکستانی از اهمیت بسزایی بر خوردار میباشد. علاوه بر آن "بنیاد گرایی" نوع "جهادی معاصر" در دستگاه نظامی و استخباراتی آنکشور از نفوذ و پشتیبانی زیاد برخوردار میباشد. از سوی دیگر "فساد اداری" در سر تاسر این کشور، بویژه در بین احزاب سیاسی و ساختار های نظامی بشکل گسترده ریشه دوانده است؛ دامن رهبران آنکشور تا سطوح ریاست جمهوری و قوماندانی اعلا ی نظامی به فساد اداری آلوده میباشد. تاریخ چند دهه اخیر در پاکستان گواهی میدهد که هم چشمی های ناسالم سیاسی و نظامی که منجر به کودتا های نظامی گردیده، این کشور را بر لبه ی پرتگاه کشانیده است. تداوم سیاست های نفوذی بنیادگرا یان در "اردو و اداره"، پاکستان را بشکل روز افزون در "دایره شیطانی" محکوم نموده است. از همه مهمتر اینکه پاکستان اکنون یک قدرت اتمی بوده و حدس زده میشود که دارای دست کم یکصد کلاهک اتمی باشد. (26) بدین ترتیب میتواند که خطر دست یابی گروه های دهشت افکن به افزار جنگی اتمی مورد نگرانی جدی قرار گیرد. واشنگتن "اصول گرایی مذهبی" حاکم در ایران را در رابطه با "بر نامه های بحث انگیز تهران" بسیار خطرناک شمرده و در صورت "حملات پیشگیرانه" تمام امکانات را قابل توجیه میداند؛ غافل (؟) ازینکه در همجواری ایران، پاکستان با داشتن بمب اتمی و ظرفیت های بکاربرد موشکی آن مانند "آتش فشان" تمام منطقه را تهدید مینماید.

پاکستان در بند تفکر ناسالم سیاسی

با وجود وابستگی های مالی و تعلق های نظامی پاکستانی به ایالات متحده امریکا، تنش های سیاسی و نظام اسلام آباد و واشنگتن روز بروز بیشتر گردیده است. از اوضاع چنین برمی آید که "غش سیاسی" کرسی نشینان پاکستانی در رابطه با ایالات متحده امریکا این مرتبه بیشتر از گذشته ها روشن گردیده و محاسبه نظامیان آن کشور برسوایی انجامیده است. رهبران نظامی و استخبارات پاکستان در گذشته ها کشور شان را بسیار آگاهانه بمثابه "در خط آتش"، نخست در خطرات ناشی از جنگ سرد و بعدتر در رابطه با مبارزه علیه دهشت افگنی پیشکش نموده و درین راه به نفع خویش بهره داری نموده اند. ولی تکامل اوضاع درین اواخر بیانگر این نکته است که گویا "کاسه صبر" اداره واشنگتن بسر آمده است. کشتن اسامه بن لادن در دوم ما می سال 2011 درین میان نقش کلیدی بازی مینماید. اینکه بارک اوباما بدون "همکاری" نظامیان پاکستانی و حتی بدون "اطلاع قبلی" به استخبارات آنکشور به تنهایی بقتل رهبر القاعده در ایبیت آباد، در چند کیلومتری اسلام آباد و در چند صد متری "قشله مهم نظامی و آموزشی" پاکستان موفقانه دست زد، نظامیان پاکستانی را در برابر معمای حل ناشدنی قرار داد. نخست از همه شجاع الدین پاشا، رهبر ISI و همچنان جنرال اشفاق پرویز کیانی، رهبران نظامی آنکشور نمی توانستند که اعتراف کنند که از حضور اسامه بن لادن درین منطقه مطلع بودند. باین ترتیب "حیثیت" دستگاه استخباراتی آنکشور که یکی از سازمان های موثر و بزرگ جاسوسی محسوب میشود، خدشه دار گردید. ولی موضوع هنوز هم فاجعه آمیز تر میشود، اگر استخبارات آنکشور میگفت که از حضور اسامه بن لادن مطلع بوده است. برای نظامیان آنکشور نیز به نوبه خود عملیات چهار هلی کوپتر امریکایی در خاک آنکشور تحقیر کننده و بیانگر ضعف امکانات اکتشافی نظامی بود. البته استخبارات و اردوی پاکستانی "خاموشی" اختیار نه نموده و موضوع "خدشه دار ساختن" حاکمیت ملی کشور را بزرگ ساختند. در نتیجه از پشتیبانی ملکی های کرسی نشین و بویژه سازمان های بنیاد گرای آنکشور نیز برخوردار گردیدند. اسلام آباد ازین "خواب پریشان" هنوز هم بیدار نگردیده بود که حملات "انتقام جویانه" هلی کوپتر های ناتو در نومبر سال 2011 در خط مرزی افغانستان منجر به کشته شدن 24 عسکر پاکستانی گردید. بانترتیب آخرین میخ بر تابوت روابط پاکستان و امریکا محکم کوبیده شد. اسلام آباد در نتیجه با قدغن کرده "نشست بن دوم" در پنجم ماه دسبر سال وره افغانستان را بدون تاثیر گذاری محسوس بکار برد. در اساطیر باشندگان سرزمین هندوکش آمده که نظر به مرگ نا معلوم گوسفندان، مردچوپان به "روزه خوری" آغاز نموده و رو به آسمان میگوید "خدایه، ته می وزی خوری، زه دی روژی خورم" - خدایا، تو بز های مرا میگیری من هم از روزه گرفتن پرهیز مینمابم".

اسلام آباد به اینهم بسنده نکرده و راه های اکمالاتی قوای ناتو را بست. در رابطه با باز نمودن دوبار راه های اکمالاتی اسلام آباد سه پیش شرط گذاشت:

عفو خواستن امریکا از پاکستان، بازنگری بر عملکرد حملات هوا پیما های بدون سر نشین بر خاک پاکستان و افزایش باج گیری از رفت و آمد موتر های ناتو. (27)

به نظر اداره واشنگتن در سانحه مرزی، نخست حملات از طرف قوای سرحدی پاکستان صورت گرفته و حملات ناتو تنها تلافی جویانه بوده اند. علاوه بر آن تا زمانیکه مبارزات انتخابات ریاست جمهوری در امریکا دوام دارند، کمتر گمان میرود که اوباما به خواست اسلام آباد جواب مثبت داده و عفو بخواهد. در مورد بستن راه های اکمالاتی، استخبارات پاکستان بغلط حدس میزد که ناتو پس

از 10 تا 15 روزه زانو درمیاید و شرایط پاکستان را میپذیرد. طوریکه دیده میشود از شش ماه باینسو علیرغم مسدود بودن راه های اکملاتی، قوای ناتو با مضیقه قابل لمس مورد نیاز و تسلیحات مواجه نگردیده اند. (28) در بین رابطه راسموسن، دبیرکل ناتو گفته است که بستن راه های اکملاتی تأثیرات عملیاتی منفی بر قوای ناتو در افغانستان نداشته، علی رغم آن این گام چالش بزرگی برای ناتو محسوب میشود. (29) ناتو قبلا و با در نظر داشت حيله بازی ها و اغفال گری های پاکستان با کشور های آسیای مرکزی از طریق ازبکستان، قزاقستان و روسیه به توافقات رسیده و توانست از راه اکملاتی پاکستان صرف نظر نماید. با دشواری هایی که با ازبکستان تا هنوز هم موجود است، تصور میشود که ناتو با ماسکو در پشت دروازه های بسته حتی به موافقه رسیده باشد که مواد نظامی از قبیل اسلحه و پرزه جات را نیز حمل و نقل نماید. (30) در صورتیکه ازبکستان موانع خلق نماید، ناتو میتواند از راه عبوری تاجیکستان، قرقزستان و قزاقستان استفاده نماید. روسیه و کشور های آسیای مرکزی با وجود مخالفت های شان در مورد "حضور دراز مدت قوای نظامی امریکا" در افغانستان، بویژه استفاده کردن از خاک افغانستان بمثابه "پایگاه نظامی"، این کشور ها به مبارزه ناتو علیه "دهشت افگنی" در افغانستان اهمیت زیاد قایل میباشند. این موضوع حتی در مورد چین که در افغانستان در رابطه با "پروژه عینک" سرمایه گذاری نموده است، و همچنان مبارزه خویش را علیه "جدایی خواهان" اویغوری در مبارزه علیه القاعده در پیوند میبندد، صدق مینماید. در نتیجه پاکستان اهمیت خود را برای چین بصورت نسبی از دست میدهد. علاوه بر آن طوریکه انکشاف اوضاع بخوبی نشان میدهد، برای امریکا نقش هندوستان نظر به پاکستان روز بروز بیشتر میگردد. در نتیجه نشانه های دیده میشود که پاکستان آهسته آهسته به کشور پیرامونی مبدل میگردد. ولی اسلام آباد هنوز هم به سیاست های حيله بازی و اغفال ادامه میدهد و هنوز هم درک نکرده است که پاکستان دیگر کشور خط اول مبارزه نمی باشد. اوباما در شیکاگو در رابطه با پاکستان میگوید: "اگر پاکستان نمی خواهد که خود طعمه افراط گرایی موجود در آن کشور گردد، این به نفع آن کشور است تا با ما و جامعه جهانی همکاری نماید" (31) قطع کمک های نظامی در حال حاضر و کم ساختن کمک های مالی به آنکشور در حدود 30 در صد در سالهای آینده، کرسی نشینان پاکستانی را بزودی به زانو درخواهد آورد. دیر یا زود آنها حاضر خواهند شد تا با ناتو و ایالات متحده امریکا بیشتر از گذشته ها امتیازات قایل شوند.

نوشداروی پس از مرگ سهراب

ولی پاکستان با استفاده از آخرین امکان تلاش نمود که قبل از انعقاد نشست شیکاگو ناز بفروشد و قیمت راه اکملاتی را بر ناتو بلند ببرد. پاکستان میخواست که روزانه در حدود بیشتر از یک میلیون در روز و در حدود 400 میلیون در سال فقط از ناحیه راه اکملاتی از امریکا باج گیرد. (32) آصف زرداری، رییس جمهور پاکستان که در آخرین لحظات "دعوت" ناتو را پذیرفت، با این هدف راهی شیکاگو شد تا کشورش را از "انزوای سیاسی" برهاند. ولی حتی خلاف تعاملات دیپلماتی، نه رسموسن و نه با بارک اوباما، هیچ یک حاضر نشد تا به این مهمان ناخوانده پاکستانی "دو بدو ملاقات نماید".

3.7. کرزی، رییس جمهور افغانستان "همبازی بدون بدیل؟"

"اگر نیروهای افغان شروع به مسئولیت پذیری نکنند، هرگز آماده نخواهند شد".

(بارک اوباما، رییس جمهور ایالات متحده آمریکا در نشست شیکاگو)

حامد کرزی، رییس جمهور افغانستان در نشست عالی سران کشور های عضو ناتو از موقعیت بارزی بر خور دار بود. کرزی، که رهبری اش در واقع ره آورده غیر مسقیم حملات دهشت افگنی در نیویارک و واشنگتن می باشد، بمثابه یکی از "کهنه کارترین" بازیگران سیاسی در شیکاگو محسوب میشود؛ دولتمداری که در اولین نشست بن (در سال 2001) با پشتیبانی جامعه بین المللی به کرسی نشانیده شد. از آنزمان باینسو وی توام با توجیه نیم بند دموکراسی در سرزمین هندوکش، بشمول نشست بن دوم (در سال 2011) کرزی در همه کنفرانس های بین المللی در مورد افغانستان، از برلین تا لندن، پاریس تا توکیو در محراق حوادث قرار داشته است. با این اندوخته تاریخی، که کارگردانان اصلی در شیکاگو فاقد آن خوانده میشدند، کرزی بیانیه کوتاه ولی گویا بمثابه "توشه سفر" در خورجین داشت. آراسته با فصاحت زبان انگلیسی که اندک آمیخته با لهجه هندی تلقی میگردد، دولتمدار افغانی نه تنها در موقع ایراد کردن بیانیه خویش بلکه در مذاکرات کوچک پیرامونی نیز بشکل مریی در لباس (بخوان چین) خویش نمی گنجید. کرزی در بیانیه فشرده در حدود چهار صفحه "دست آوردهای حکمروایی" خویش را، که با فصاحت خاص خودش بر سر زبان داشت، برخ حاضرین کشید. از آنجاییکه تعاملات دیپلماتیک ایجاب مینمایند وی به کاستی های ناشی از کم کاری های زعامت ده ساله اش نیز اشاره کرد. (33) ولی بتاسی ازین وجیزه "در خانه اگر کس هست، یک حرف بس است"، زعیم حکومت افغانستان بزوی تعهد سپرد که حکومت وی در راستای غلبه کردن بر همه بی سرو سامانی ها و فساد ادراى حاکم مبارزه خواهد کرد.

نشست عالی سران کشور های عضو ناتو در شیکاگو با تمسک به گذشته ها و با بکاربرد تجارب دو دهه اخیر میتواند بمثابه چرخشی اساسی در طرح نظری و شیوه کار عملی پیمان تلقی گردد. با تصمیم نهایی در مورد برنامه خروج قوای خارجی تا اواخر سال 2014 از افغانستان، ناتو با شیوه مبارزه علیه "دهشت افگنی" نوع جورج دبلیو بوش در افغانستان که با حضور و نقش رزمی نیرو های آنکشور همراه بود، خط فاصل کشید. ولی از طرف دیگر با چشم انداز همکاری های مورد نیاز از قبیل آموزش نیرو های امنیتی افغانستان و تعهد تمویل آنها، با در نظر داشت "پیمان های ستراتیژیک بین افغانستان و آمریکا" و همچنان طرح حضور "قطعات محدود امریکایی" در افغانستان مبارزه علیه "دهشت افگنی بین المللی" به یک سطح بلندتر ارتقا نمود. در عین زمان و ازین طریق با "افغانیزه کردن" مبارزه علیه دهشت افگنی در جنوب آسیا و "طرح نیرو های کوماندوی" اهمیت ستراتیژیک این کشور، بویژه در رابطه با "سیاست های دو گانه" کرسی نشینان اسلام آباد بیشتر گردید.

"افغانیزه کردن" مبارزه علیه دهشت افگنی که با کمتر از پنج در صد هزینه ای موجود نظامی به پیش برده خواهد شد، افاده ی از تدابیر "دفاع هوشمند" نیز محسوب میشود. هزینه ناتو در سال

های 2011 بیشتر از یکصد میلیارد دلار امریکایی در افغانستان بالغ میگردند. آقای اندرز راسموسن گفت: "ما در مسیر درست برای رسیدن به هدف جمع آوری سالانه حدود ۴ میلیارد دلار برای تامین مالی نیروهای امنیتی افغان قرار داریم - این خبری مثبت است". به گزارش مجله هفتگی امریکایی "تایم" - Time - ، هزینه نظامی در افغانستان در ده سال گذشته به بیشتر از 533 میلیارد دلار امریکایی بالغ میگردند. (34). در حالی که مبلغی کمتر از ده درصد این رقم برای بازسازی افغانستان بصرف رسیده است.

نظر به خطرات بالقوه دهشت افگنی که با مسئله "امنیت ملی" کشور های غرب پیوند میخورد، امریکا نیاز خواهد داشت تا امکانات "استخباراتی" خویش را در رابطه با ضربات موثر هوایی از طریق هواپیماهای بدون سر نشین گسترش دهد. این عملیات بغرض حفظ منافع ستراتژیک غرب ضروری می باشد. ولی دیگر ایالات متحده امریکا و توام با آن ناتو، از این خودداری خواهند کرد که دوباره در حدود یکصد هزار نیروی جنگی در افغانستان و یا کدام کشور دیگر پیاده کنند. از سوی دیگر نظر به آنکه پاکستان ورقة "شورشیان مسلح" را علیه کابل بمتابه "شمشیر دامکلس" بکار خواهد برد، خطرات جنگ داخلی بکلی از بین نخواهد رفت؛ بویژه اگر در افغانستان اوضاع عمومی اقتصادی- اجتماعی بهبودی چشمگیر نیابد و نیرو های امنیتی کشور با تجهیزات مناسب دفاعی و رزمی علیه "دهشت افگنی" مجهر نگردند.

در رابط به این موضع چهار پیش شرط موضوع بحث میگردند:

1) عدم توانایی افغانستان برای تامین سهمیه اش در هزینه امنیتی

درینجا باید تذکر داد که سهم افغانستان در هزینه امنیتی پس از سال 2014 در قدم اول در حدود 500 میلیون دلار امریکایی تعیین گردیده است. کرزی در بیانیه خویش در شیکا گو صریحا ازین مبلغ نام گرفت (35) مبلغ 3,5 میلیارد دلار را کشور های ناتو بدوش گرفتند. در "دهه تغییر" (از سال 2014 تا 2024) قرار است که آهسته آهسته سهم مالی افغانستان در هزینه امنیتی بیشتر گردیده و بر خلاف سهم کشور های ناتو به تناسب آن کمتر گردد. البته در رابطه با تجسم حاکمیت ملی میتوان این روند را مثبت ارزیابی کرد. ولی کاستی این موضوع درین نکته نهفته است که خروج قوای خارجی با کاهش زیاد منابع کمکی به افغانستان همراه میباشد. تا جاییکه پیش بینی میگردد این کاهش در کمک های مالی منجر به دست کم دو صد کاهش در محصول ناخالص اجتماعی کشور خواهد گردید. توام با در نظر داشت تاثیرات منفی دیگر از قبیل فرار سرمایه از کشور و فرو ریختن بخش های مشخص اقتصادی وابسته به کمک های خارجی، تصور میرود که حکومت افغانستان از عهده پرداخت سهمیه خویش عاجز ماند. که این موضوع به عدم کفایت نیرو های امنیتی کشور در مبارزه علیه "دهشت افگنی" خواهد انجامید. درینجا باید افزود که اگر حکومت افغانستان در چار چوب یک "ستراتژی بزرگ" بر دکترین امنیتی خویش باز نگری نماید، به احتمال زیاد میتواند که از عهده بار مالی مبارزه علیه دهشت افگنی برآید.

2) انکشاف سالم سیاسی پس از پایان رسیدن دوران ریاست جمهوری کرزی

"دهه تغییر" در صورتی آرام و هدفمند انکشاف خواهد کرد که کرسی نشینانان کابل زیر رهبری کرزی پس از پایان دوره ریاست جمهوری وی مطابق به قانون اساسی کشور به انتخابات آزاد تن در دهند. تجارب تلخ گذشته ها بیانگر این نکته است که اگر حامد کرزی بحیث شخص هم عقب

نشینی نماید، با پیروی از سنت ناروای تاریخی "کرزی ثانی" تلاش خواهد کرد تا بر کرسی قدرت تکبه زند. در مجموع با عوض شدن شخص اول کشور ساختار الیگارشسی سیاسی- اقتصادی حاکم دست ناخورده باقی خواهد ماند. استحکام و گسترش این ساختار قیادتگرایی سنتی در بستر نیم بند مردم سالاری و "دین پناهی کاذب" نشونما خواهد کرد. در نتیجه این نظام منجر با عمیق شدن هنوز هم تفاوت های بیشتر اقتصادی و اختلاف نظرهای سیاسی شده و نظام به بن بست کشانیده میشود. گرچه که آقای رییس جمهور در بیانیه خویش در شیکاگو خود نیز بر پذیرش قانون اساسی کشور صحه گذاشته و خواهان عدم مداخله داخلی و خارجی شده است، قابل نگرانی است که خود آقای کرزی تا حال در راستای استحکام رهبری اش چندین مرتبه بر قوانین اساسی کشور پا گذاشته است.

3) پیروزی در مبارز علیه بنیاد گری پر خاشگر

سیاست "اشتی ملی" کرزی در چارچوب "شور ای عالی صلح" نظر به ساختار ناهنجار و شیوه کار نادرست به "دفتر کاریابی" و جذب عناصر ناراضی مبدل و حتی ارثی گردیده است. طوری که پس از کشته شدن آقایان برهان الدین ربانی، رییس شورای صلح و ارسال رحمانی، عضو ارشد شورای صلح پسران آنها جانشین شان گردیدند.

کرزی در بیانیه خویش در نشست سران کشور های عضو ناتو برای روند صلح آمیز باین چهار نکته اشاره مینماید:

ترک خشونت، قطع علایق با دهشت افگنی، حفظ دست آورد های ده سال گذشته و در اخیر حراست از قانون اساسی کشور. (36)

ولی طوری که تجارب گذشته تصریح مینماید با در نظر داشت این نکات که در واقع اصولی طرح گردیده اند، نیاز به بازنگری بنیادی شیوه پیاده کردن این نکات در راستای "صلح پایدار" میباشد؛ بازنگری که حاوی میکانیزم مشارکت گسترده سیاسی و اقتصادی گروه های دیگر با در نظر داشت اصول دموکراسی باشد.

4) نیاز همکاری های گسترده منطقوی

نظر به موقعیت جیو ستراتیژیک و پیوند های تاریخی، انکشاف اوضاع در افغانستان با ساختار های سیاسی و اجتماعی در کشور های همجوار طوری گره خورده که به کلاوه تبدیل گردیده و بمشکل میتوان به گره کور دست یافت. ازین نگاه چگونگی "صلح و رفاه پایدار" در سرزمین هندوکش با علایق ستراتیژیک، خواست های سیاسی و انگیزه های دینی کشور های همجوار در پیوند و وابستگی عمیق شکل میگیرد. ناتو ازین موضوع آگاهی داشته و همچنان رییس جمهور افغانستان همه روزه واکنش های ناشی ازین وابستگی را احساس مینماید. از همین جهت، رهبران ناتو هم در اعلامیه عمومی وهم در اعلامیه خاص این پیمان در مورد افغانستان، به همکاری های گسترده منطقوی اهمیت بارز قایل گردیده اند. سران ناتو توصیه مینمایند تا در راستای همکاری منطقوی گام های جدی بر داشته شود. با در نظر داشت حساسیت های کشور های همجوار، کرزی تلاش نمود تا اهمیت توافقات افغانستان را با کشور های دیگر، بویژه با امریکا و هند بسیار بزرگ جلوه ندهد. در عین زمان وی به خطرات ناشی از بعد منطقوی دهشت افگنی

اشاره نموده و باینترتیب کرسی حتی خواست که نکات احتمالی منفی همکاری های ستراتیژی را با خطرات ناشی از تروریزم جبران پذیر ترسیم نماید. رییس جمهور افغانستان درین رابطه مشخص از "روند گفتگوی استانبول" نام گرفت. به نظر وی میتوان ازین طریق یا روند ایجاد اعتماد و پشتیبانی منطقی دست یافت (37) درینجا باید از عان نمود که این راهیافت، بویژه اگر با استفاده از امکانات "راه جدید ابریشم" مکمل گردد، از نگاه نظری بهترین گزینه و حتی بدون بدیل خوانده شده میتواند. ولی کاستی در عملکرد و پیاده کردن این راهیافت خلاصه میگردد؛ طوریکه کشور های منطقه با وجود اعترافات لفظی کوچکترین گامی درین راه بر نمی دارند.

3.8 فرانسوا اولاند، رییس جمهور فرانسه بمثابه تعهد شکن

با وجود همفکری های ناشی از حفظ خواسته های ستراتیژیک کشور های عضو، نشست شیکاگو از همسویی کامل سران ناتو بر خوردار نبود. دامنه همچو تفاوتها از پشتیبانی مخالفین رژیم معمر قذافی در لیبیا گرفته تا نصب "چتر حمایتی موشک های دفاعی در اروپا" تا فشار واشنگتن بر کشور های عضو اروپایی ناتو در مورد پذیرش بار مالی بیشتر گسترش مییابد. روشنتر از همه این تفاوت های فکری در "راهیافت خروج قوای ناتو" از افغانستان با مثال فرانسه واضح میگردد. نخست از همه فرانسوا اولاند، رییس جمهور تازه فرانسه که بار اول در نشست ناتو شرکت میکرد، سران ناتو را با خبر هیجان آوری روبرو نمود. بدون آنکه با کشور های دیگر درین مورد مذاکره کرده باشد، الاند اعلام نمود که کشورش قصد دارد که نیرو های رزمی اش را تا پایان سال 2012 از افغانستان خارج نماید. باینترتیب رییس جمهور فرانسه دوباره بر یکی از تعهدات دور انتخاباتی خویش صحنه گذاشت. (38) یک نظر خواهی که در جنوری سال 2012 در فرانسه بعمل آمده بود، 84 درصد فرانسوی ها خواهان خروج قوای آنکشور از افغانستان بودند. فرانسه با مستقر گردانیدن 3.400 عسکر در افغانستان پس از امریکا، بریتانیا، کبیر و آلمان قدر ال چهارمین کشور ناتو شمرده میشود. راسموسن، با وجود اعلام خروج قوای فرانسوی گفت که ناتو از همبستگی کشور های عضو برخوردار خواهد بود و در مورد خروج قوای خویش عجله نخواهند نمود. (39)

3.9 مبارزه با دهشت افگنی با تدابیر اوپراتیفی

در رابط با "مبارزه علیه تروریزم" باید گفت که کشور های ناتو در مجموع از طریق "تدابیر اوپراتیفی" به مبارزه خویش آغاز و ادامه داده اند. مراد از "تدابیر اوپراتیفی" مبارزه امنیتی علیه گروه ها و اشخاصی اند که از طریق بکاربرد شیوه های دهشت افگنی حتی علیه افراد و تاسیسات ملکی نیز خودداری نکرده و در نتیجه امنیت و ثبات ملی کشور ها را خدشه دار میسازند. (40)

کشور های ناتو تلاش نموده اند تا در جریان دهه اخیر بر نامه دهشت افگنی را کشف و "دهشت افگنان" را اگر ممکن باشد، به محکمه کشانیده و یا از نگاه فزیکتی از بین ببرند - catch or kill - . درین رابط کشور های ناتو با وجود "حملات دهشت افگنی" در مادرید و لندن از گزند حملات بزرگ دهشت افگنی، بویژه امریکا مصئون مانده اند. نخست بتاریخ یازدهم می سال 2004 در

مادرید، پایتخت اسپانیه در اثر حملات ترورستی بر خط آهن آنکشور در حدود 190 نفر کشته و بیشتر از دو هزار نفر زخمی گردیدند. (41) همچنان بتاريخ هفتم جولای 2005 در شبکه مواصلات شهر لندن سه انفجار ترورستی بوقوع پیوست که در اثر آن بیشتر از 30 نفر کشته و هفت صد تن دیگر زخمی گردیدند. تونی بلیر، نخست وزیر بریتانیای کبیر تعهد نمود که شدیدترین تدابیر امنیتی را اتخاذ نموده تا مسئولین این حملات را دستگیر و به جزای اعمال شان برساند. (42) درینجا تمام دستگاه های امنیتی، محاکم، کنترل مرز ها و رفت و آمد های هوایی همه با صلاحیت های بیشتر مجهز گردیده تا با تروریزم مبارزه موثر صورت گیرد. ولی مبارزه با تروریزم زمانی از نگاه دراز مدت پیروز خواهد گشت که "تدابیر ساختاری" طرح و پیاده شوند. درینجا طرح و پیاده کردن بر نامه های انکشاف اقتصادی، از بین بردن بیکاری، کم ساختن تفاوت های اجتماعی و در اخیر مشارکت های سیاسی و اقتصادی موضوع بحث اند، تا علل ظهور تروریزم از بین برود. تروریزم را نمیتوان با اختناق و سلب آزادی های مدنی ریشه کن نمود.

با قتل اسامه بن لادن، رهبر سازمان دهشت افگنی القاعده بتاريخ دوم می سال 2011 در ایبیت آباد پاکستان توسط قوای امریکایی گلیم دهشت افگنی القاعده بهیچ صورت جمع نگردید. اسامه بن لادن بمثابه فرآورده یک دور طولانی "جهاد" از تجارب بزرگ جنگی، شناخت عمیق پیروان "جهادست" و از روابط گسترده با سلفیون عقیدتی و پشتیبانی مالی گروه های متنفذ عربی برخوردار بود. ازین نگاه وی بین "جهادست ها" محبوبیت داشته و شخصا رهبری "ستراتژیک، سازمانی و فعالیت های اوپراتیفی" را بر دوش داشت. در نتیجه بن لادن ممثل "چهره واقعی" و "هویت اصلی" القاعده خوانده شده میتواند. (43)

برادران هم عقیدتی او بشمول ایمن الظواهری بمشکل میتوانند خالیگاهی را که اسامه بن لادین بمثابه "قاعده و شیخ بزرگ" بجا گذاشته پر نمایند. علاوه بر آن تعداد زیادی از رهبران القاعده بشمول محمد یحیی الیابی، شخص شماره دوم این سازمان چندی قبل کشته شدند. القاعده در جریان سالهای اخیر ضربات کاری سازمانی خورده و امروز بیشتر "غیر متمرکز، عمل کرده و تکیه بر گروه های مستقل سازمانی مینماید که با عقیده جهادی القاعده پابند باشند. این "جهادست ها" با تفاوت در گذشته ها در درون کشور های غربی، یا به شکل سلول های کوچک و یا بطور انفرادی بسیج گردیده و به فعالیت های تخریبی بصورت مستقل سر و سامان میدهند. (44)

با فرو ریزی نظام التقاطی گروه طالب و در نتیجه با از بین رفتن "کمپ های آموزشی" جهادست های القاعده در افغانستان این سازمان نخستین و مدهش ترین ضربه تاریخی را متحمل گردید. حملات روز افزون هوا پیما های بدون سر نشین در مناطق قبایلی پاکستان به نوبه خود ضربات کاری براین سازمان و برادران هم عقیدتی پاکستانی آن وارد آورد. در نتیجه امروز القاعده در کنار مناطق قبایل نشین پاکستان در عراق، سومالی، کشور های عربی شمال افریقا و یمن تا حدود زیاد دست به فعالیت های تخریبی میزند. از آنجا بیکه حملات دهشت افگنی القاعده منجر به تلفات زیاد ملکی و آنهم مسلمانان بی گناه بشمول زنان و اطفال گردیده است، طوریکه در افغانستان ما شاهد این ماتمسرا هستیم، القاعده و گروه های آمیخته و هم پیمان با آن روز بروز بیشتر تجرید میشوند.

با وجود آن هم خطرات دهشت افگنی که از القاعده الهام میگیرند در ابعاد گسترده در سر تاسر جهان سایه افکنده است. دهشت افگنی مرز نمی شناسد و خطر آن هر لحظه و در هر نقطه جهان هنور هم - ده سال پس از حملات در نیویارک و واشنگتن - محسوس است. القاعده پرچمدار

عقیده جهادی استوار بر "تعبیر دینی سلفی" بوده و ازین نگاه حامل نظر جنگ دراز مدت از قرون گذشته تا فردای نا معلوم خواهد بود.

نشست سران کشور های عضو ناتو در واشنگتن نیز این خطر را احساس کرده و در اعلامیه ویژه این نشست، تروریزم در بر گیرنده خطر مستقیم برای شهروندان کشور های عضو ناتو و همچنان برای ثبات و رفاه بین المللی خوانده شده است. به نظر سران ناتو مبارزه با تروریزم مستلزم یک راهیافت مشترک جامعه جهانی باتدابیر گسترده می باشد. در حالیکه ناتو اعلام میدارد که درین راه با دیگران همکاری عمیق کرده ولی از حلقه های دیگر هم خواهان برداشتن گام های موثر می باشد. باینترتیب گویا در راه مبارزه با تروریزم دروازه ناتو بروی کشورهای دیگر، سازمان های منظوقی و گروه های اجتماعی باز گذاشته میشود.

3. نتیجه گیری:

نشست سران ناتو در واشنگتن در واقع بر "دکتورین" این پیمان که در جلسه لزین در نومبر سال 2011 به تصویب رسیده بود، صحه گذاشت. (45) درین دکتورین - با در نظر داشت تجارب یک دهه - از یکطرف تسلط طیف کامل ناتو در سطح جهانی و از طرف دیگر نقش رهبری ایالات متحده امریکا مورد تایید همه کشور های عضو قرار گرفت. از آنجاییکه ایالات متحده امریکا قصد دارد تا در رویارویی با نیروی نو ظهور چین همکاری نظامی خویش را با کشور های کناره بحر الکاهل بیشتر و عمیقتر سازد، تا سال 2020 در حدود 60 درصد قوای خویش درین منطقه جابجا مینماید. در مقابل کشور های عضو اروپایی ناتو - با وجود تنگدستی های مالی - باید از طریق پیاده کردن "دفاع هوشمند" مسئولیت های مالی و اوپراتیوی بیشتری بر دوش گیرند.

سیاست ناتو بیشتر به بخش های حملات هوایی، احداث چتر های دفاعی موشکی، حملات هواپیماهای بدون سر نشین و "جنگ های سایبری" متمرکز گردیده و باینترتیب ناتو با "درس عبرت از افغانستان" از پیاده کردن پیاده نظام در سرزمین های غیر خودداری خواهد کرد. درینجا تجارب ناتو در سقوط نظام اقتدار گرای لیبیا نیز آموزنده خوانده میشود. ناتو در تاریخ یکمرتبه نظام دیوان سالارانه شوروی را از طریق "مسابقات تسلیحاتی" بزانو در آورد. این مرتبه نوبت به چین رسیده که بمتابه "کشور غول پیکر اقتصادی" امریکا را به چالش کشانیده و در بخش نظامی نیز تلاش دارد تا بتواند با ایالات متحده امریکا - در میان مدت - دست و پنجه نرم نماید. درینجا مسایل بحث انگیز "تایوان" و تنش های ناشی از "ملکیت بحث انگیز بحیره جنوبی چین" و کشور های جنوب شرق آسیا نقش عمده بازی مینمایند.

عدم اشتراک پوتین، رییس جمهور و مید وید یف، نخست وزیر روسیه در شیکاگو خود بیانگر واکنش توام با احتیاط ماسکو در قبال تصامیم پیمان ناتو تلقی میگردد. (46)

خروج قوای رزمی ناتو از افغانستان "برگشت ناپذیر" بوده، ولی نظر به اهمیت روز افزون راهبردی این کشور، قوای ناتو و بویژه قوای نظامی ایالات متحده امریکا - با ماموریت آموزشی و دفاعی - در کوهپایه هندوکش باقی خواهند ماند. در نتیجه سرزمین هندوکش در آتش خصومت های ایرانی و پاکستانی - با وجود انگیزه های متضاد این دو کشور - خواهد سوخت. از طرف دیگر همکاری و تعهدات حکومت کرزی با پیمان "شانگهای" افغانستان را در بین دو "سنگ آسیاب" قرار خواهد داد. زمانی محمد داود قیادتگر در رابطه با جنگ سرد در نیمه دوم سده بیستم

گفته بود که وی "سیگار امریکایی اش را با کبریت روسی روشن می کند". اکنون آقای حامد کرزی - پس از اشتراک در نشست ناتو در شیکاگو و نشست سران "سازمان همکاری شانگهای" - خمار "پایپ ناتو" را با "تنباکوی شانگهای" بسر میپوراند.

5. رویکرد ها:

(1) http://www.nato.int/cps/en/natolive/official_texts_87905.htm

(2) http://www.nato.int/cps/en/natolive/official_texts_87905.htm

(3) همانجا

(4) <http://www.nato.int/history/index.html>

(5) http://de.wikipedia.org/wiki/Warschauer_Pakt

(6) http://www.nato.int/cps/en/SID-804AD6A9-E20F9242/natolive/nato_countries.htm

(7) <http://de.wikipedia.org/wiki/NATO>

(8) <http://www.nato.int/cps/en/SID-A4F59750-22F3C6E5/natolive/51288.htm>

(9) <http://www.sipri.org/media/pressreleases/17-april-2012-world-military-spending-levels-out-after-13-years-of-increases-says-sipri>

(10)

http://www.nato.int/nato_static/assets/pdf/pdf_2012_04/20120413_PR_CP_2012_047.pdf

(11) همانجا

(12) http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_countries_by_military_expenditures

(13)

http://www.nato.int/nato_static/assets/pdf/pdf_2012_04/20120413_PR_CP_2012_047.pdf

(14) <http://www.sipri.org/media/pressreleases/17-april-2012-world-military-spending-levels-out-after-13-years-of-increases-says-sipri>

(15) <http://de.wikipedia.org/wiki/NATO>

(15a) جزئیات این بحث در نوشته نویسنده تحت عنوان "جهانی شدن پسا امریکا" و گروه 20 مورد تحلیل قرار گرفته است:

<http://www.goftaman.com/daten/fa/index.htm>

<http://www.trust-us.ch/?p=7298>) (16)

(17)

<http://www.bbc.co.uk/persian/search/?scope=persian&q=%D8%A8%D8%AF%20%D8%A7%D9%81%D8%B2%D8%A7%D8%B1>

(18)

<http://www.nytimes.com/2012/06/01/world/middleeast/obama-ordered-wave-of-cyberattacks-against-iran.html?pagewanted=all>

همانجا (19)

<file:///H:/Texte/NATO/cyber%20war.htm> (20)

http://www.atimes.com/atimes/Middle_East/NF01Ak01.html) (21)

http://www.atimes.com/atimes/Middle_East/NF05Ak02.html) (22)

(23)

http://hosted.ap.org/dynamic/stories/U/US_CYBERWEAPONS?SITE=AP&SECTION=HOME&TEMPLATE=DEFAULT

(24)

http://hosted.ap.org/dynamic/stories/M/ML_IRAN_COMPUTER_VIRUS?SITE=AP&SECTION=HOME&TEMPLATE=DEFAULT

Joe Klein, The Best News out of Afghanistan2012Time June 4, ,) (25)
(2012

همانجا (26)

<file:///H:/Texte/NATO/world-us-canada-18141605.htm> (27)

Joe Klein, The Best News out of Afghanistan2012Time June 4, (28)
2012

<file:///H:/Texte/NATO/world-us-canada-18141605.htm> (29)

<http://de.rian.ru/politics/20120425/263444086.html> (30)

file:///H:/Texte/NATO/afghanistan-war-taliban-p_n_1537224.html (31)

<file:///H:/Texte/NATO/zardari%20nato%20summit%20chicago.htm> (32)

<http://president.gov.af/en/news/979> (33)

Time, June 11, 2012 (34)

<http://president.gov.af/en/news/979> (35)

<http://president.gov.af/en/news/979> (36)

<http://president.gov.af/en/news/979> (37)

<file:///H:/Texte/NATO/us-nato-summit-idUSBRE84J02C20120520.htm> (38)

<file:///H:/Texte/NATO/us-nato-summit-idUSBRE84J02C20120520.htm>) (39)

Ulrich Scvhneckener,(Hg), Chancen und Grenzen multietarlar (40)

<http://www.swp-berlin.org>/terrorismusbekämpfung, in SWP-

(http://www.spiegel.de/wikipedia/Madrider_Zuganschl%C3%A4ge.html) (41)

(42)

(http://news.bbc.co.uk/onthisday/hi/dates/stories/july/7/newsid_4942000/4942238.stm

(43)

Its Third Decade:Irreversible Decline,or Imminent Victory?Al Qaeda in
Victory?Brian Michael Jenkins; Rand Corporation,
<http://www.rand.org/>

The Tenth Year, A Briefing on Terrorism Issues to, New Members (44)
of the 112th Congress, *Brian Michael Jenkins; Rand Corporation,*

<http://www.rand.org/>

<file:///H:/Texte/NATO/asia%20times.html> (45)

<http://links-dar.org/2012/05/23/russian-leadership-mull-implications-of-natos-chicago-summit/>) (46)